

بررسی بهره وری و ارتقا در آموزش و پرورش همگام با نظام های شش گانه سند تحول بنیادین

فاطمه کشوری محبوب^۱

^۱کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

چکیده

نهاد تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای می‌تواند محور توسعه و رشد آن جامعه باشد، چرا که گستره فعالیت این نهاد، تمام عرصه‌های زندگی را دربر می‌گیرد، به‌ویژه که به مدت چهارده سال (چهار الی هجده سالگی) رشد دانش‌آموزان را در ابعاد مختلف تحت پوشش قرار می‌دهد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش به دلایل مختلف، ازجمله ضرورت استقرار بر پایه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، هماهنگی با حرکت شتابان و تحولات سریع اجتماعی و بهره‌گیری از تجارب موفق آموزشی و تربیتی عصر حاضر، نیاز به تحول بنیادین داشت تا بتواند کارکردی منطبق با مبانی اسلامی و انقلابی داشته باشد. از طرفی در پی مطالبه رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر ضرورت تحول بنیادین در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ایرانی و پرهیز از الگوهای وارداتی و تقلیدی، لذا نهادهای سیاستگذار در حوزه تعلیم و تربیت ایران، تلاش‌های فراوانی را در این جهت انجام دادند که از بنیادی‌ترین آن‌ها در سال‌های اخیر، تدوین «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» است. پژوهش حاضر با هدف بررسی بهره وری و ارتقا در آموزش و پرورش همگام با نظام های شش گانه سند تحول بنیادین و به روش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در مبحث زیر نظام های شش گانه توجه خاصی به بحث ضرورت و راهکارهای تحول و بهره وری در تعلیم و تربیت، با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، شده است و ابعاد مختلف این موضوع مورد بررسی و دقت نظر قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: بهره وری، آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین، زیر نظام های شش گانه

مقدمه

از جمله مهمترین و اساسی ترین جنبه زندگی انسان ، تعلیم و تربیت است . وجود موقعیت جغرافیایی خوب و دارا بودن منابع و معادن گوناگون ، صرفاً به عنوان ویژگی های یک جامعه سالم به شمار نمی آید ، بلکه جامعه ای سالم است که نظام تعلیم و تربیت پویا ، با نشاط و متری داشته باشد و در این چنین نظامی است که تربیت انسان هایی اخلاق گرا ، مستقل ، نوآور و آزاد صورت می گیرد که منجر به تعالی و رشد جامعه می گردد . [۱] از آنجا که مهم ترین دغدغه های بشر که ریشه آن در نسل های پیشین است و آثار آن نیز تا نسل های آینده ادامه خواهد داشت ، تربیت است . از این رو اهداف مختلفی برای تربیت در جوامع گوناگون و بر مبنای فلسفه فرهنگ خود توسط صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت در نظر گرفته شده است . اگرچه این موضوع بیان تعریف مشخصی از اهداف تربیت را سخت نموده است ، اما بیانگر میزان مهم بودن آن بوده و در حقیقت فعالیت های انسان بدون هدف بی معنا بوده و این امر در زمینه تربیت وجهه ای ویژه تر می یابد .

نظام تعلیم و تربیت یکی از اساسی ترین نهادهای همه جوامع بشری است و همواره منابع اقتصادی و انسانی زیادی جهت تعلیم و تربیت دانش آموزان بکار برده می شود . در این راستا یکی از مهمترین چالش های همه نظام های آموزشی جهان و بویژه نظام آموزشی ایران ، آموزش توانایی های ضروری به دانش آموزان برای زندگی فردی و اجتماعی بوده تا از این طریق بتوانند در رشد و اعتلای جامعه خود موثر باشند . ارتقا بهره وری در نظام تعلیم و تربیت علاوه بر اینکه به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک خواهد کرد ، بوسیله تربیت نیرویی کارا و خلاق میتواند باعث اعتلای کشور نیز شود .

با توجه به اینکه در بزرگسالی ، رفتار افراد تحت تاثیر نوع تربیتی است که آموخته اند ، از این رو لازم است نظام های تربیتی اهداف مشخص و ارزشمندی را برای برنامه های تربیتی در نظر گیرند ، بخصوص که در جوامع امروزی محقق شدن بسیاری از اهداف نظام های تربیتی با مشکلات فراوانی روبروست و ضروریست در این راستا تمهیدات جدی در نظر گرفته شود . از طرف دیگر هدف داشتن به عنوان ابتدایی ترین نیاز انسان است که مشخص کننده مسیر زندگی او نیز هست و با معنا دادن به زندگی وی ، مانع از بیراهه رفتن و انحراف انسان می شود . از جمله اهداف اساسی نظام های تربیتی ، محقق شدن ارزشهای معنوی و اجتماعی در افراد بشر در جهت روبرو شدن صحیح با نیازها، تمایلات و محرکهای درونی است که منشأ غریزی و حیوانی دارند . [۲]

در مفهوم و تعریف تعلیم و تربیت، وحدت و اتفاق نظر وجود ندارد بلکه تعریفهای متعدد و گوناگونی برحسب نوع اندیشه ارائه شده که یقیناً نظریات و دیدگاه های مشخص تعریف کنندگان نیز در تعدد این مفاهیم بی بهره نبوده است، بدین لحاظ نمیتوان تعریف کامل (جامع و مانع) از آن عرضه نمود اما اجمالاً به بعضی از تعاریف صاحب نظران در این زمینه اشاره می کنیم:

- افلاطون (۴۲۷ – ۳۴۶ ق.م) می گوید : تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعدادهای طبیعی و شکوفا ساختن آنها.
- ارسطو (۳۸۴ – ۳۲۲ ق.م) می گوید : تعلیم و تربیت مجموعه ای از اعمال است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می گیرد.
- بوعلی سینا (۳۷۳ – ۴۲۸ ه.ق) می گوید : تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی، برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی.

● در دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری: «تعلیم، پرورش و استقلال نیروی فکری دادن و زنده کردن قوه ابتکار متعلم است و تربیت، پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است؛ از این رو، کاربرد واژه تربیت فقط در مورد جانداران صحیح است؛ زیرا غیر جانداران را نمی توان به مفهوم واقعی پرورش داد آن طور که یک گیاه یا حیوان و یا یک انسان را پرورش می دهند. از همین جا معلوم می شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا شود باید کوشید تا همان استعدادهایی که در آن هست بروز کند. بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای او است و این استعدادها در انسان عبارتند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع.» [۳]

● در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) تعلیم و تربیت فرآیندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد، زمینه های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می آورد. لازم به ذکر است که اساساً دو واژه تعلیم و تربیت را نمی توان به عنوان دو کلمه هم معنی و مساوی از همه جهات تلقی نمود. به عبارت دیگر این دو واژه به صورتی نیستند که هر کدام بر معنا و مفهومی دلالت داشته باشد و دیگری نیز بر همان معنا دلالت کند؛ بلکه این دو واژه از جهاتی با یکدیگر مرتبط و در مواردی حتی با هم تفاوت دارند. به عنوان مثال از نظر وسعت معنا با هم متفاوت بوده زیرا که مفهوم و معنای تربیت بسیار گسترده بوده در حالیکه واژه تعلیم از لحاظ معنا، وسیله ای از ابزار تربیت است. [۴].

در کتاب تعلیم و تربیت اسلامی هر کدام را جداگانه مورد بررسی قرار می دهد:

تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب.

تعلیم عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای این که متعلم دانشی را فرا گیرد. [۵]

آموزش و پرورش به عنوان اساسی ترین نهاد تربیتی کشور پایه گذار شخصیت دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نسل آینده است. متأسفانه این نهاد مهم در کشور، آن گونه که باید و شاید، پاسخگوی نیازهای گسترده جامعه در راستای اهداف و آرمانهای بلند انقلاب اسلامی نبوده، و تربیت نیروی انسانی مؤثر با مشکلات نظری و عملی فراوانی روبرو شده است. رهایی از کاستی ها و ناکارآمدی های موجود، و دستیابی به آموزش و پرورش پویا، موفق و اثربخش، نیازمند تحول عمیق و ریشه ای در این نهاد گسترده و سرنوشت ساز است، تا با بازخوانی و بازتولید تمام عوامل مؤثر پیدا و نهان این نظام، بتوان با استفاده بهینه از فرصتها، منابع و امکانات، تحقق اهداف را تسهیل و تسریع کرد. [۶]

بهره وری عبارت است از به حداکثر رساندن استفاده از منابع، نیروی انسانی و تمهیدات به طریق علمی به منظور کاهش هزینه ها و رضایت کارکنان، مدیران و مصرف کنندگان. از نقطه نظر کلی بهره وری شامل دو مولفه می باشد: کارایی و اثربخشی انجام فعالیت. توانمندی در بدست آوردن ستاده از داده کمتر را کارایی می گویند. به دیگر سخن کارایی به معنای همان خوب کار کردن است. از این رو در صورت مشخص بودن وظایف و شرایط احراز هر مسئولیت و چگونگی انجام آن در سازمان ها و همچنین بکارگیری افراد و نیروها مطابق با توانمندی و شایستگی های ایشان، انتظار می رود که بهره وری سازمان نیز افزایش یابد.

موضوع بهره وری در نظام آموزش و پرورش یکی از موضوع های اساسی در نظام تعلیم و تربیت است که از منظر حوزه های سیاست گذاری، برنامه ریزی، مدیریت و اجرا اهمیت زیادی دارد. این موضوع از دیر باز ذهن مسئولان آموزشی را در سطوح مختلف به خود مشغول داشته است زیرا به دلیل ماهیت پویا و پیوسته نظام آموزشی، تنها از طریق یک فرآیند تحولی نهادینه شده می توان به تحقق اهداف آموزش و پرورش خوش بین بوده و زمینه های تحقق اهداف و آرمانهای مترتب بر نظام آموزش و پرورش را مهیا دانست و این جز با مشارکت فعال و مستمر امکان پذیر نیست .

تحول در نظام آموزش و پرورش موضوعی علمی بر اساس مبانی نظری گسترده ای است که با کلیت نظام آموزش و پرورش و مباحثی نظیر اصلاح ، نوآوری ، تغییر و ارتقا در ارتباط است . لازمه تحول ، نواندیشی هایی در تعریف مجدد آرمانها، اهداف، نتایج و دستاوردهای آموزش و پرورش است که با روی کارآمدن یک نظام فلسفی علمی و مبتنی بر هویت دینی و ملی ممکن می شود . بنابراین در نظام آموزشی از یک سو پویایی نظام می تواند با تغییر و اصلاح و نوآوری شروع شده و با تاثیر بر ارتقای نظام به تحول در نظام آموزشی ختم شود و از طرف دیگر ، امکان ارتقا نظام آموزشی با تحول در رویکردهای نظری و باز تعریف آرمانها و دستاوردهای نظام آموزشی فراهم می آید . [۷]

سند ملی تحول بنیادین نقشه راه آموزش و پرورش است که توسط صاحب نظران با مشارکت متخصصان عرصه تعلیم و تربیت تدوین و تصویب شده است . در این سند ، تعلیم و تربیت فرآیندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد، زمینه های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می آورد . بدون شک تهیه، تدوین و تصویب این سند در شورای عالی انقلاب فرهنگی نقطه عطفی در سازمان آموزش و پرورش باید دانست .

پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می پردازیم :

دیزوی (۱۳۹۳) در پایان نامه خود « تحلیل مبانی فلسفی سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران » ، مبانی فلسفی آموزش و پرورش را در سند تحول بنیادین تحلیل کرده است. یافته های تحقیق بر این دلالت دارد که « سند تحول می تواند پاسخگوی تقاضاهای مبتنی بر شرایط فرهنگی جدید جامعه بعد از انقلاب باشد، و خود را با آن منطبق سازد؛ اما بایستی اذعان داشت که نیازمند تلاش جدی تر برای نزدیک کردن نظریه و عمل است؛ چون پرورش انسان با خصوصیات خدا محور در حوزه عملی ناروشن است؛ به دلیل اینکه در تربیت انسان طبق سند تحول بنیادین موضوع تربیت؛ به دلیل منطق درونی آن مبنی بر همگرایی، به تفاوت های فرهنگی چه در درون ایران، و چه در سطح جهانی، نیازمند توجه بیشتر است. »

ترکاشوند (۱۳۹۲) هم به بررسی و نقد مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته است . به نظر این محقق در گزینش واژه ها و مفاهیم کلیدی سند، یک جامعه آرمانی با ویژگیهای نظام معیار اسلامی، و حیات طیبیه طراحی شده است . این واژه ها که از قرآن و متون فلسفی اسلام و شیعه گرفته شده است، و این کلید واژه ها (قرب الهی، حیات طیبیه، کرامت ذاتی و ...) گویای رمز تصویب و تأیید سند تحول و مسئولان آموزش و پرورش است، و نه احتمالاً راهگشای نظام آموزش و پرورش، که باید پیوسته بازبینی و اصلاح شود.

نجفی و احمدی (۱۳۹۱) نیز به بررسی اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که: «آنگونه که شایسته و بایسته است به خانواده توجه کافی نشده است. خانواده ای که، به استناد محتوای سند، یک نهاد بنیادین و مرکز تربیت نسل و انتقال ارزشهای اخلاقی و تربیتی است، راهکارهای اجرایی برای چگونگی ایفای نقش و مشارکت در امور تحصیلی و تربیتی فرزندان ا ارائه ننموده است.»

صادق زاده و رضانی (۱۳۹۲) در پژوهش "بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیت جمهوری اسلامی ایران" به بررسی و مقایسه اهداف تربیتی و چگونگی آن از دیدگاه برزینکا از یک سو و مبانی سند تحول بنیادین از سویی دیگر می باشد. نتایج پژوهش بیانگر این بود که «توجه به ابعاد فردی و اجتماعی تربیت، کسب ویژگی های شخصیتی مطلوب، جامعیت اهداف تربیت، لزوم کسب ویژگی های ارزشمند اخلاقی و مسائلی از این قبیل، اموری هستند که در هر دو دیدگاه مورد توجه قرار گرفته است. اما آگاهانه یا ارادی بودن یا تجویزی و الزامی بودن اهداف تربیت، میزان توجه به ابعاد فردی و اجتماعی اهداف، توجه به ابعاد مذهبی اهداف تربیت و همچنین توجه به بعد زیبایی شناختی آن، از تفاوت هایی است که می توان به آن اشاره کرد.»

نوروزی نژاد و طباطبایی (۱۳۹۶) در تحقیق "رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی در ساحت های ششگانه سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش" به بررسی رویکرد های دینی و قرآنی در این سند می پردازد. نتیجه تحقیق نشان داد: «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که سندی تربیتی است، از منظر تربیت دینی دارای نقاط قوت و وضعی است که نقطه کمال آن، فراهم نمودن بستر حیات طیبه اسلامی برای متولیان، به تأسی از قرآن کریم، است. نقاط ضعف سند نیز لازم است با ارائه راهکارها و توجه به همه انواع تربیت بر اساس ساحت های ششگانه وجودی متربیان، عملیاتی کردن سند در سطح خرد مدارس، بکارگیری مربیان تربیتی و قرآنی توانمند و اختصاص بودجه کافی برای فعالیتهای تربیتی و دینی و قرآنی در حوزه تعلیم و تربیت برطرف شود.»

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی بهره وری و ارتقا در آموزش و پرورش همگام با نظام های شش گانه سند تحول بنیادین، به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

یافته های تحقیق

امروزه سنگ زیربنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه نظام آموزش و پرورش آن به شمار می آید. [۸]. کودکان و نوجوانان مخاطبان اصلی نهاد آموزش و پرورش هستند که آنچه را امروز می آموزند در آینده ای نه چندان دور در افکار و رفتار آنان تجلی می یابد. بنابراین، تحولات آموزشی و تربیتی امروز تاثیر قابل توجهی بر چگونگی شکل گیری آینده دارد. به عبارت دیگر در فرآیند تعلیم و تربیت برنامه های امروز و فردا به هم وابسته است، و این نهاد بیش از سایر ارگانها و نهادها به برنامه های تحولی نیازمند است. از این رو امروز، در اکثر کشورهای جهان مسئله تدوین و اجرای برنامه های راهبردی تحول آفرین در اولویت برنامه های نهادهای آموزشی قرار دارد. [۹]

برای استقرار نظامی جدید سه راه عملی در اختیار است:

- برای رفع نیاز، از نظام های موجود کنونی به صورتی کامل الگو گرفت.
- بدون توجه به نظام های موجود، نظامی کاملاً جدید به وجود آورد.
- نظام های کنونی را مورد بررسی قرار داده و با شناخت نقاط قوت و ضعف آنها (با تغییر در نقاط ضعف و تاکید بر نقاط قوت) نظامی همخوان و همساز با نیاز پدید آمده به وجود آورد.

نکته قابل تأمل آن است که برنامه های تدوین شده در جهت ایجاد تحول، بر حول هشت گام اصلی تحول پی ریزی شده است، یعنی کار با ایجاد فوریت و ضرورت آغاز شده و با تشکیل تیم راهنما و ترسیم دورنما و چشم انداز ادامه می یابد و با رساندن پیام تحول به دیگران و کنار زدن موانع اجرایی به نقطه عطف خود رسیده و با کسب پیروزی های کوچک و سریع تا رسیدن به هدف نهایی و فرهنگ سازی ادامه می یابد. گاهی نگاه به کارنامه آموزش و پرورش بیانگر آن است که متولیان آن در دوره های گوناگون به عنوان عاملین تحول، تغییرات متعددی را در حیطه های گوناگون از جمله: نظام آموزشی، کتب درسی، نظام ارزشیابی، شیوه های تدریس، سیستم مدیریت و ... را در دستور کار خود داشته و به اجرای آن اهتمام ورزیده اند، لیکن این تغییرات یا به نتایج پیش بینی شده دست نیافته و یا عمیق و تاثیرگذار نبوده و صرفاً موجب تغییرات روبنایی در نظام آموزشی شده است. در واقع امروز آنچه دست اندرکاران آموزش و پرورش را به چالش کشیده این نکته است که چرا این برنامه ها نتوانسته موجب نوآوری، پیشرفت و تحول سیستم آموزشی شود. [۷]

بسترهای قابل تحول در آموزش و پرورش

به نقل از رمضان زاده دارایی (۱۳۸۶) بسترهای قابل تحول در آموزش و پرورش را می توان تحت عناوین زیر بیان نمود :

الف) ساختار و تشکیلات درونی آموزش و پرورش.

ب) دستگاهها و سازمان ها و مراکز موثر بیرونی.

الف) ساختار و تشکیلات درونی:

حوزه درونی آموزش و پرورش باید بیشترین تغییرات را دربرگیرد و اصولاً این بخش، هدف اصلی در ایجاد تغییرات است، که خود از دو قسمت اداری و آموزشی تشکیل شده است :

۱. بخش اداری ساختار تعلیم و تربیت

به آن بخش از کار ستادی گفته می‌شود که در مقام تصمیم‌گیری ها و برنامه‌ریزی ها و ایجاد هماهنگی در مورد آموزش بهتر در واحدهای آموزشی قرار دارد. یعنی هر تصمیمی که در این بخش گرفته می‌شود به طور طبیعی باید در مدارس و در کلاسهای درس نمود پیدا کند. لذا در ایجاد تحول اداری در این سازمان، باید این باور ایجاد شود که، اداره و کار ستادی مکمل و ادامه کار آموزشی است، نه انجام امور صرفاً دستوری و بخشنامه‌ای. یعنی در تدوین برنامه‌ها و تعیین اهداف توسط این بخش، باید معلمان و دیگر افراد ذینفع نیز، بکار گرفته شوند تا آنها در این زمینه احساس بیگانگی نکنند، چرا که هر تصمیمی، باید توسط آنها اجرا شود و به همین خاطر، باید با واقعیت‌های کلاسهای درس منطبق بوده و به اصطلاح در خط مقدم تعلیم و تربیت یعنی سر کلاسها و ارتباط معلم و دانش‌آموز جواب بدهد، در غیر این صورت در حد یک تصمیم باقی می‌ماند و منتج به نتیجه نخواهد شد. لذا، نهادینه شدن این فکر ضروری است که، بخش اداری باید در خدمت معلم باشد، همانطوری که معلم در خدمت دانش‌آموز است.

در آموزش و پرورش، هدف نخست، دانش‌آموز است و معلم و سیستم اداری با تمام امکانات باید در خدمت او باشند. بنابراین در تغییرات بنیادی آموزش و پرورش، باید مدرسه محوری، مورد توجه جدی قرار بگیرد.

۲. بخش آموزشی نظام تعلیم و تربیت

به آن بخش از بدنه آموزش و پرورش گفته می‌شود که، هدف اصلی تعلیم و تربیت را در برمی‌گیرد، این بخش تحت دو عنوان کلی و با نظارت مدیریت واحدهای آموزشی، در مدارس فعالیت می‌کنند. یکی تدریس علوم تخصصی و دیگری انجام امور تربیتی است، گرچه هدف هر دو، تعلیم و تربیت است، ولی در برخی موارد عملاً مشاهده می‌شود که با هدف انجام بهتر یکی از آنها، به دیگری بی‌توجهی می‌شود. و این بی‌توجهی برای امور تربیتی نمود بیشتری دارد. و شاید یکی از دلایلی که بعد از چندین سال از تاسیس آن، هنوز نتوانسته است جایگاه واقعی خود را پیدا کند، به همین خاطر باشد، و حتی در برهه‌ای از زمان، این بخش از آموزش، از تشکیلات آموزشی کشور، حذف شده بود. وضعیت در زمینه تدریس علوم تخصصی هم خیلی بهتر از آن نیست. چون متعلمان ما یک سری مطالبی را حفظ می‌کنند که بعد از خروج از مدرسه و اتمام امتحانات، آنها را فراموش می‌کنند، و یا حداکثر اگر این مطالب را به خاطر بسپارند کاربرد عملی ندارد و در بیرون نیز مصداقی برای آن پیدا نمی‌کنند. در نتیجه، وضع خروجی‌های آموزش و پرورش، رضایت‌بخش نیست، چون، فارغ‌التحصیلان آن، نه تربیت را به معنای واقعی آن می‌آموزند و نه علوم تخصصی را آنطور که باید فرا می‌گیرند. البته مشکلات مربوط به امور تربیتی، در مدارس، نسبتاً نمود بیشتری دارد. در این خصوص به نظر می‌رسد که باید برای اهداف و راهکارهای تربیتی واحدهای آموزشی، تعریف دقیق‌تری بعمل آید و مربیان نیز، آموزش لازم را بصورت مستمر و به روز شده ببینند.

غیر از نقش تعیین‌کننده معلمان و مربیان در کیفیت بخشی به آموزش و تعلیم و تربیت، یکی دیگر از مهمترین عوامل اثرگذار در آموزش و پرورش، مدیریت واحدهای آموزشی است، مدیران مدارس در این زمینه اثرگذاری زیادی دارند، به همین خاطر، در تحول بنیادی تعلیم و تربیت، باید مدرسه محوری مورد توجه قرار گیرد و در انتخاب این مدیران نیز دقت شود. در این خصوص، لازم است تا با ایجاد انگیزه قوی، توانمندترین افراد وارد عرصه مدیریت مدارس شوند. در تحول بنیادی ضروری است

تا با ایجاد انگیزه، مدیران مدارس از میان باسابقه ترین و خوش نام ترین افراد و توسط خود همکاران در همان واحد آموزشی، انتخاب شوند. این افراد باید از دارندگان بالاترین مدرک تحصیلی نیز باشند و از همه مهمتر در همان دوره تحصیلی چندین سال کلاس داری کرده باشند و به زیروبم ها و شیوه های کلاس داری نیز آشنایی کافی داشته باشند.

چالش های موجود در نظام تعلیم و تربیت

۱. کتابهای درسی:

با توجه به تغییرات مستمر و مداوم در کتاب های درسی، اما همچنان مفاهیم عمده آنها برای دانش آموزان گویا نیست و کاربردی نمی باشد. در این کتابها و موضوعات درسی کارهای آزمایشگاهی و تحقیقاتی علمی جایگاه کمی دارد.

۲. شیوه ها و روشهای تدریس:

در یک نظام آموزشی غیر هدفمند معلم به عنوان محور تدریس است و روش های تدریس به شکل سنتی و بر مبنای سخنرانی و استفاده از مهارت های کلامی است، و از این رو در این نظام دانش آموزان مشارکت کمتری در فرآیند یاددهی و یادگیری دارند. در چنین سیستمی دانش آموزان صرفا مطالب درسی را حفظ کرده و فرصتی برای بروز استعداد های خلاق خود نداشته و لذا تحرک و پویایی خود را نیز از دست می دهند.

۳. تغییر مدیران و اعمال سلیقه در نظام آموزشی:

از جمله مشکلاتی که امروز نظام آموزش و پرورش با آن روبروست، تغییر برنامه ریزی ها و تصمیمات همزمان با تغییر مدیران در سازمان است که در بسیاری از موارد با صدور بخشنامه ها و آیین نامه های مختلف و تصمیمات سلیقه ای و تن دادن به آزمون و خطا، لطمات جبران ناپذیری را بر پیکر نظام آموزشی وارد آورده اند.

۴. بی توجهی به نقش معلم:

از جمله دلایل مهم عدم پیشرفت تحولات در آموزش و پرورش، بی توجهی به نقش معلم در این نظام است. تا زمانی که چالش هایی نظیر پایین بودن شأن و مقام معلم در جامعه، پایین بودن سطح دانش و مهارت حرفه ای و پایین بودن سطح حقوق و مزایای معلمی وجود دارد، امکان ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش نیست، زیرا تحول می بایست از معلمان شروع شده و عدم توجه به این امر منجر به چند شغله بودن معلمان شده است.

۵. مدیریت متمرکز در آموزش و پرورش :

مدیریت متمرکز از جمله چالش های پیش روی نظام آموزش و پرورش است . تمرکزگرایی سازمان های آموزشی بدلیل عدم توجه به نیازها و فرهنگ مناطق و کندی در انجام کارها و تثبیت وضعیت موجود ، مانع از ایجاد تحول می گردد . همه تصمیمات و برنامه ریزی های یک سازمان در یک مکان گرفته شده و پس از آن جهت اجرا به استان ها و مناطق ابلاغ می گردد و مدیریت مدارس در مناطق تنها مجریان بخشنامه ها و آیین نامه ها هستند و قدرتی در اعمال تغییرات در این برنامه های ابلاغ شده ندارند .

۶. توجه و نگاه کلی به کمیت ها در آموزش و پرورش :

توجه سازمان آموزش و پرورش این روزها آن قدر به نوسازی و تجهیز مدارس، معیشت، مسکن، حقوق معلمان و به طور خلاصه مسایل کمی بوده است که از توجه و پرداختن به موضوع اصلی یعنی تعلیم و تربیت صحیح دور مانده است .

۷. کم رنگ بودن مشارکت مردم در مباحث آموزش و پرورش:

پایین بودن مشارکت خانواده ها در انجمن اولیا و مربیان امروزه بسیار مشاهده می شود و حتی گاهی دیده می شود که به این انجمن نگاه دیگری دارند .

۸. بررسی صلاحیت مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش:

امروزه برخی افرادی که در حوزه تخصصی خود توانایی کار کردن ندارند ، در نظام آموزش و پرورش عهده دار پست های مدیریتی شده و در برخی موارد تصمیماتی گرفته شده که به صلاح آموزش و پرورش نبوده است . از جمله چالش های فرا روی آموزش و پرورش در این زمینه می توان به عدم موفقیت در تعامل و مشارکت نیروهای کارشناس و تحصیل کرده و عدم توانایی در بهره گیری از این نیروها و همچنین نبود کارشناس متخصص تعلیم و تربیت اشاره کرد . [۷]

اگرچه در سالهای گذشته، تلاشهای وافر و درخور توجهی از طرف مسئولان، و دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور صورت گرفته، که نتایج نسبتاً مثبت و مفیدی نیز برجای گذاشته است، ولی هنوز تغییر و تحولی پایدار، کارآمد و چشمگیر در این نهاد مهم صورت نگرفته است . با تدوین و تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش این بارقه امید ایجاد شد که آموزش و پرورش از روزمرگی خارج و تحول بنیادین در آن آغاز شود .

مراد از « تحول بنیادین در آموزش و پرورش » در این حرکت سترگ و کم نظیر در تاریخ آموزش و پرورش، فراهم آوردن زمینه « تحول عمیق و ریشه ای، همه جانبه، نظام مند و سیستمی، آینده نگر، مبتنی بر آموزه های وحیانی، و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی » است . [۱۰]

سند ملی تحول بنیادین نقشه راه آموزش و پرورش است که توسط صاحب نظران با مشارکت متخصصان عرصه تعلیم و تربیت تدوین و تصویب شده است . در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش ، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت

درافق ۱۴۰۴ هجری شمسی با توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران و با الهام از اسناد بالادستی و بهره گیری از ارزشهای بنیادین موجود در اسناد یادشده تبیین شده و نشان دهنده ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام بخش جهان اسلام، همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین المللی است.

در واقع سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه ای راهبردی، و یکی از گسترده ترین طرحهای نرم افزاری کشور است که با تأکید بر جنبه های کیفی، و نیز در نظر گرفتن عناصر درونی و برونی، و مباحث ساختاری نظام تدوین شده است. قلمرو سند تحول عرصه های مختلف توسعه، اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می شود. این سند، پایه، ملاک و راهنمای تصمیم گیریهای اساسی برای هدایت، راهبری، نظارت و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری است. [۱۱]

بسته سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش در چهار بخش زیر تصویب و آماده شده است :

- فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران
- فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران
- رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران
- سند تحول راهبردی نظام فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

همانطور که از این عناوین به دست می آید و به باور بسیاری از صاحب نظران تعلیم و تربیت، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یک سند تربیتی است؛ چرا که شاکله و شالوده اصلی آن را طراحی راهبردها و ارائه راهکارهایی تشکیل داده است که در صورت اجرای درست منجر به تربیت دانش آموز تراز جمهوری اسلامی ایران می شود.

از گذر اجرای بندهای این سند، دانش آموزان ضمن تقویت و تثبیت پایه های ایمان خود در دوران تحصیل مجموعه ای از نیازمندیهای فکری و معرفتی، علمی و کاربردی را که در زندگی به آن نیاز دارند، می آموزند و در مدرسه تجربه می کنند. بر پایه این سند، مدرسه جلوه ای از تحقق مراتب حیات طیبیه و کانون عرضه خدمات و فرصتهای تعلیم و تربیت است؛ بنابراین باید زمینه و بستر آموزشهای نظری و مهارتهای زندگی را فراهم سازد، به نحوی که دانش آموزان با طی هر دوره تحصیلی از دانایی و تواناییهای بیشتری برای زندگی پاک بهره مند گردد. [۱۲]

مشخصات نظام تربیت رسمی و عمومی در سند تحول بنیادین

در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران مشخصاتی برای نظام تربیت رسمی و عمومی عنوان شده است که در این گفتار به اختصار به بیان آن می پردازیم.

تعریف نظام تربیت رسمی و عمومی:

« نهاد اجتماعی و فرهنگی سازمان یافته ای که، به عنوان مهم ترین عامل انتقال، بسط و اعتلاء فرهنگ عمومی در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت فراهم آوردن زمینه نظام مند و عادلانه کسب آمادگی متربیان جهت تحقق مرتبه ای از حیات طیبیه در همه ابعاد را برعهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه، لازم یا شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان (با تأکید بر هویت مشترک انسانی اسلامی و ایرانی ایشان) در راستای شکل گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح براساس نظام معیار اسلامی مستلزم آن است که تربیت یافتگان این نظام، شایستگی های لازم جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را کسب نمایند . »

اهداف :

در راستای تحقق غایت و هدف کلی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران (که همان دستیابی به مرتبه ای از آمادگی برای تحقق حیات طیبیه در همه ابعاد است)، مجموعه ای از شایستگی های اساسی به عنوان اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی تعریف می شوند که شامل دو دسته اهداف مشترک و اهداف ویژه می باشد :

اهداف مشترک

انتظار می رود تربیت یافتگان نظام تربیت رسمی و عمومی برای ورود مطلوب به زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دارای شایستگی های زیر باشند :

- دیندار (مومن به باورهای اسلام ناب، علاقه مند به ارزش های اصیل و عامل به دستورات و احکام اسلامی)؛
- مودب و متخلق به آداب و اخلاق انسانی و اسلامی؛
- حقیقت جو، خردورز و پرسشگر؛
- انتخاب گر و آزاد منش؛
- حق محور و مسئولیت پذیر نسبت به خدا، خود، جامعه و طبیعت؛
- عدالت ورز، ظلم ستیز، مهربان و صلح جو؛
- سالم و با نشاط؛
- امیدوار نسبت به آینده و منتظر برپایی عدل جهانی (جامعه مهدوی)؛
- قانون گرا، منضبط و نظم پذیر؛
- خودباور، دارای عزت نفس، مصمم و با اراده؛
- پاکدامن، باحیا، امین، بصیر و حق شناس؛
- وطن دوست و استقلال طلب؛
- جهادگر، شجاع و ایثارگر؛

- مقتصد، خلاق و کار آفرین؛
- جمع گرا و جهانی اندیش؛
- دارای ذائقه هنری و زیبایی شناختی.

اهداف ویژه

این اهداف با توجه به تفاوت های فراگیران، در سطوح ملی، منطقه ای و مدرسه ای و برحسب نیاز ها و ویژگی های فردی و اجتماعی و ملاحظات جنسی، جنسیتی و سطح رشد فراگیران توسط مراجع ذی صلاح (البته در چهار چوب اهداف مشترک تربیت رسمی و عمومی) تعیین می شوند.

➤ روابط :

از آنجا که نظام های اجتماعی در خلاء عمل نمی نمایند و با سایر نهادها و نظام های اجتماعی روابط و کنش متقابل دارند، عملکرد درست یک نظام به برقراری روابط صحیح و اصولی با دیگر نهاد ها و نظام های اجتماعی نیز وابسته است. بر این اساس نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت خود و دستیابی به اهداف مذکور نیازمند روابط صحیح با ارکان تربیت و مشارکت همه عوامل موثر و سهمیم در جریان تربیت می باشد. در این میان نظام تربیت رسمی به طور کلی بر چهار رکن مهم و اساسی اتکا دارد که عبارتند از:

- دولت اسلامی (حاکمیت)
- خانواده
- رسانه و نهادها
- سازمان های غیر دولتی

که این چهار رکن نقش تکمیل کننده و متعادل کننده یکدیگر را دارند.

زیرنظام های سند تحول بنیادین

زیرنظام های اصلی نظام تربیت رسمی و عمومی، بخش های اساسی این نظام در جهت پشتیبانی از جریان تربیت، انجام رسالت نظام و کمک به تحقق اهداف و کارکردهای آن هستند. عملکرد این زیرنظام ها تمامی مولفه های نظام تربیت رسمی و عمومی را تحت تاثیر خود قرار می دهند و عبارتند از :

۱. راهبری و مدیریت تربیتی

زیر نظام راهبری و مدیریت تربیتی نظامی است جامع وچابک در سطوح مختلف کلان، عالی، میانی و اجرایی که ضمن برخورداری از ویژگی های سازمان یادگیرنده، قادر است با هوشمندی همه نیروهای تغییر را بطور هماهنگ، کارا و اثربخش در جهت غایت تربیت یعنی "تحقق مراتب حیات طیبه در همه ی ابعاد" و اهداف تربیت، یعنی «آمادگی متربیان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» رهنمون سازد.

۲. برنامه درسی

برنامه درسی به مجموعه فرصت های تربیتی نظام مند و طرح ریزی شده (از سطح ملی، منطقه ای و محلی تا مدرسه و کلاس درس با طیف مخاطبان بسیار گسترده و فراگیر تا بسیار محدود) و نتایج مترتب بر آن ها اطلاق می شود که متربیان برای کسب شایستگی های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی در معرض آن ها قرار می گیرند تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد را به دست آورند. زیر نظام برنامه درسی شامل ابعاد چهار گانه طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی است، که با توجه به "عوامل مؤثر بر کیفیت" در یک بافت منسجم و یک پارچه هم سو و هم آهنگ با غایت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی سامان دهی می شود.

۳. تربیت معلم و تأمین منابع انسانی

این زیر نظام به عنوان یکی از شش زیر نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، موظف به فراهم سازی و تأمین منابع و نیروی انسانی از سطح ستادی تا سطح مدارس می باشد. معلمان و مربیان شامل همه افرادی هستند که مسئول زمینه سازی در این نظام را بر عهده دارند. با توجه به مفاهیم و معانی تعلیم و تربیت، می توان نقش معلم را در ادامه نقش تربیتی انبیاء و اولیاء الهی به عنوان راهنمایان بصیر و عالمی توانا دانست که وظیفه هدایت، روشنگری، برنامه ریزی، آموزش، پشتیبانی، مشورت، بازخورد دادن، و ترغیب متربیان برای به چالش کشاندن موقعیت های کنونی/ فعلی جهت بسط و توسعه ظرفیت های وجودی را برای کسب شایستگی ها و دستیابی به حیات طیبه را بر عهده دارند.

۴. تأمین و تخصیص منابع مالی

زیرنظام تأمین و تخصیص منابع مالی مسئولیت تأمین منابع مالی از راه های متنوع و تخصیص آن برای تدوین و اجرای برنامه های تربیتی و درسی، تأمین فضای تربیتی و اداری، بکارگیری مربیان، تهیه تجهیزات، فن آوری و کتاب های درسی و کمک درسی، پژوهش و ارزشیابی، و راهبری و مدیریت تربیتی و اداره امور مدارس در نظام تربیت رسمی و عمومی را بر عهده دارد. علاوه بر این زیر نظام مسئول ساماندهی چگونگی بخرج گرفتن منابع تخصیص یافته است که بر عملیات مالی و نگهداری حساب ها و نظارت بر آنها متمرکز است. این زیر نظام، ضمن آن که خود یک سیستم (یا زیر سیستم) مستقل بشمار می آید، به لحاظ ماهیت سیاست پذیری خود، جزئی از زیرنظام رهبری تربیتی و مدیریت نظام تربیت رسمی و عمومی، که مهم ترین وظیفه آن سیاست گذاری است، محسوب می شوند.

۵. تأمین فضا، تجهیزات و فناوری

تأمین کالبدی فضاهای تربیتی از طرفی تبیین کننده و پاسخگوی نظری در امر طراحی فضا و تولید و تأمین تجهیزات و فن آوری مبتنی بر فلسفه تربیت رسمی و عمومی متناسب با شرایط جسمی، روحی، جنسیتی، اقلیمی، برنامه درسی و ... بوده و از طرف دیگر تسهیل کننده فرآیند یاددهی - یادگیری و تحقق اهداف تربیتی برای رشد و پیشرفت کشور می باشد و به اموری چون تنوع فضاها، اثربخشی و روز آمدی، تولید و تأمین تجهیزات و فن آوری، زیباسازی و با نشاط سازی محیط درونی و بیرونی، نحوه تأمین منابع و توسعه مشارکت های مردمی، مشارکت فراگیران و کاربران در نگهداری فضا، تجهیزات و فن آوری توجه دارد.

۶. پژوهش و ارزشیابی

پژوهش و ارزشیابی در نظام تربیت رسمی و عمومی به عنوان یک فعالیت ماموریت گرا، بر مبانی، رسالت، اهداف و ماموریت های نظام تربیت رسمی و عمومی استوار است. درک و بهبود مستمر موقعیت نظام تربیت رسمی و عمومی در سطح ملی و جهانی در قالب چرخه تولید دانش کاربردی، اشاعه، کاربرست و ارزشیابی از یافته ها صورت می پذیرد.

نتیجه گیری

از جمله مهمترین پایه های تعالی کشور و ابزار جدی ارتقای سرمایه انسانی در عرصه های مختلف، تعلیم و تربیت است. محقق شدن اهداف و آرمان های متعالی انقلاب اسلامی همچون احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملتها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسانهای عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد.

نظام آموزشی به عنوان شاخص ترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی عصر حاضر، متولی امر تعلیم و تربیت و پرورش اجتماعی آحاد مردم جامعه، حافظ و ناقل میراث فرهنگی، و رشد و شکوفایی همه جانبه جامعه است. تحول در سیستم آموزش و پرورش از جمله موضوعاتی است که بیشتر نظامها و جوامع همواره آن را مد نظر قرار می دهند و از آنجا که زیرساخت هر نوع توسعه ای در کشورها را می توان در نظام تعلیم و تربیت آن جستجو کرد، پس ایجاد تحول در این بخش از ضروریات مهم و اساسی به شمار می رود.

با توجه به تلاش های بسیاری که در سالهای گذشته از طرف مسئولان نظام تعلیم و تربیت در جهت اصلاح و بهبود این نظام انجام گرفته است، اما همچنان چالش های جدی پیش روی این سازمان است و برون داد آن در سطح جمهوری اسلامی ایران پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نیست؛ بنابراین تنها راه برون رفت از این چالش ها، تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ایرانی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی و تقلیدی، می باشد.

سند تحول بنیادین به عنوان نقشه و قانون اساسی آموزش و پرورش جهت رسیدن به اهداف عالی تعلیم و تربیت بر اساس آموزه های دینی، قرآنی و اسلامی تهیه شده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی که وظیفه ارزیابی و نظارت راهبردی بر فرآیند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی را نیز عهده دار است، باید از اولین قدمهای اجرایی تحقق سند، به ویژه در تدوین

زیر نظام ها، به دقت و به درستی، امور را مدیریت و نظارت کند. زیرنظام ها، راهکارهای عملیاتی کردن سند، و تحقق آن را معین کند. این مهم نیازمند پیش بینی مکانیزم های مؤثر نظارتی است؛ به گونه ای که قادر باشند اولاً بر تحقق آن بر اساس زمان بندی معین شده نظارت کند. ثانیاً سهم هر سال از پیشرفت را در تحقق سند تحول بنیادین، پیش بینی و متعاقب آن ارزیابی و قضاوت کند.

با توجه به ماهیت برنامه ها و فعالیتهای آموزش و پرورش، برای نظارت و ارزیابی برنامه های تحولی، باید شاخص ها و استانداردهای کمی و کیفی به دقت طراحی و تنظیم گردد. علاوه بر آن باید در فرآیند نظارت و ارزیابی مستمر، ضمن رعایت اصل جامعیت و کنترل تمام عملیات و فعالیتهای تحولی، بر نقاط استراتژیک یا کلیدی کنترل و تمرکز بیشتری کرد. نقاط کلیدی و محوری آن، بخشی از عملیات یا واحدهایی هستند که نتایج و عملکردشان در کل سیستم نقش مهم و تعیین کننده دارد.

منابع

۱. محمدی، یحیی؛ کیخا، علیرضا؛ علیپور مقدم، خدیجه؛ طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد برنامه ریزی درسی فطری و معنوی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۳، ۱۳۹۵
۲. صادق زاده قمصری، علیرضا؛ رضانی، معصومه؛ بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیت جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۳
۳. مطهری، مرتضی؛ ۱۳۷۳، "تعلیم و تربیت در اسلام"، چاپ بیست و سوم
۴. صفری، محمد؛ شاهسنی، شهرزاد؛ زارعی، عاطفه؛ "بررسی سیر تاریخی تعلیم و تربیت ایران و نقاط قوت و ضعف آن در سه دوره باستان، اسلامی و معاصر"، آموزش پژوهی، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۸
۵. شکوهی یکتا، محسن؛ ۱۳۶۳، "تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش ها)"، وزارت آموزش و پرورش، تهران
۶. خنیفر، حسین؛ مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹
۷. عسگری، ا.؛ ضرورت ها و چالش های پیش روی تحول بنیادین در آموزش و پرورش، مقاله تحقیقی در وبلاگ پژوهشنامه، ۱۳۹۰
۸. صافی، احمد؛ تغییر و نوآوری در آموزش و پرورش ایران و چشم انداز آینده، مجله نوآوری های آموزشی، دوره ۲، شماره ۳، ۱۳۸۲
۹. قجری، ناصر؛ مزیدی، محمد؛ شمشیری، بابک؛ واکاوی و فهم اهم چالش ها و موانع عملی پیش رو در تحقق سند تحول بنیادین با تمرکز بر زیرنظام های اصلی"، مجله علمی پژوهشی "پژوهش های برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹
۱۰. ادهم، مهدی؛ ۱۳۸۹، "مجموعه مقالات آسیب شناسی تربیت بدنی"، انتشارات مدرسه، تهران

۱۱. رعنائی ، مجید ؛ اعلام جزییات نقشه راه اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ، ۱۳۹۲

<http://ayaronline.ir/1393/09/100697.html>

۱۲. بحری زاده ، اسماعیل ؛ سرمشق تربیت ، انتشارات منادی تربیت ، تهران ، ۱۳۹۲